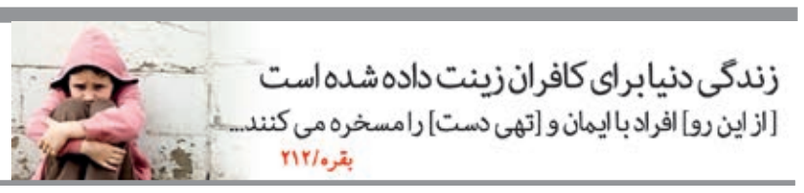

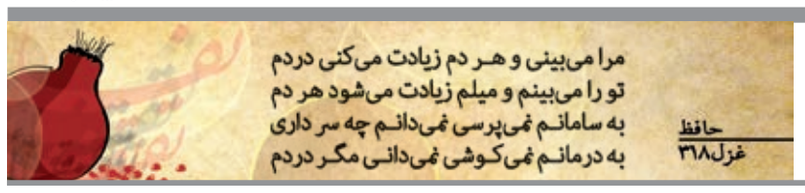

دنیا به روایت تصویر

عکسی جالب از شکوفه های درختان حاشیه جاده در چین، عکس از خبرگزاری شین هوا چین

تمرینات تیم دوچرخه سواری «بی ام ایکس» کشورمان برای شرکت در مسابقات، عکس از ایلنا

پرواز بادبادک های موجودات دریایی در جشنواره بادبادک استرالیا، عکس از گاردین

دور دنیا

روش عجیب بازیگر کره ای برای لاغر ماندن!

آدیتی سنترال/ رژیم غذایی عجیب «لی تی ایم» بازیگر مشهور کره ای، اخیرا حسابی سر و صدا کرده است. او برای این که اندام لاغر خودش را از دست ندهد، روزانه فقط سه قاشق برنج می خورد! او بعد از دیدن عکس چند بازیگر که از او لاغرتر بودند تصمیم گرفت به هر قیمتی شده چاق نشود. «لی» شش ماه است که این رژیم عجیب را رعایت می کند و می گوید حالا نگران سلامت اش است!

طراحی با مو!

شانگهای نیوز/ «ونگ زیجو» آرایشگر چینی علاوه بر هنر آرایشگری، دستی هم در نقاشی و طراحی دارد. او با موهای مشتریانش بر روی زمین طراحی می کند و انتشار عکس های طراحی های او در شبکه های اجتماعی شهرت بسیاری برایش به ارمغان آورده است. حالا بیشتر مشتریانی که پیش او می روند مشتاق اند تا ببینند او با موهای سر آن ها چه طرحی را روی زمین می کشد.

انتقام از همسایه مردم آزار!

دیلی میل/ یک مرد چینی که از سر و صدای همسایه طبقه پایین و صدای بازی بچه های او به ستوه آمده بود، به روش عجیبی از آن ها انتقام گرفت! او بارها و در نهایت ادب و احترام از همسایه اش خواسته بود تا بچه هایش را کمی کنترل کند و به او اجازه استراحت بدهد اما آزار و اذیت این همسایه تمامی نداشت. در نهایت او انتقام خودش را گرفت و وسیله ای به نام «لرزاننده ساختمان» را به قیمت بالایی خرید و یک هفته آن را در آپارتمانش وصل و روشن کرد و همسایه اش از شدت سر و صدا و لرزش به مرز جنون رسید!

طراحی حیرت آور روی خودروهای کثیف!

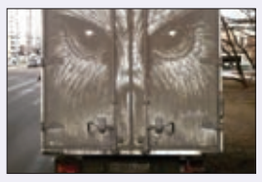

بورد پاندا/ خودروی کثیف برای بیشتر مردم بسیار چندش آور است و برای برخی به منزله یک بوم نقاشی! هنرمند روسی «نیکیتا گولوبف» به تازگی شاخه ای را در هنر طراحی به نام «طراحی روی خودروهای کثیف» ابداع کرده است. او با دیدن خودروهای کثیف در خیابان های مسکو، بدون این که اجازه صاحب خودرو را بخواهد طراحی های فوق العاده ای را بر جای می گذارد. خودروهای بزرگ برای او بوم مناسب تری هستند!

چند سال بعد در چنین روزی

مراسم تجلیل از قهرمان لیگ برتر فوتبال برگزار شد

عصر دیروز مراسم تجلیل و اهدای جام قهرمانی به تیم قهرمان لیگ برتر، در ورزشگاه آزادی برگزار شد. این مراسم که با استقبال شدید هواداران این تیم رنگ و بوی خاص ساندویچ تخم مرغ و کالباس گرفته بود، در نهایت شکوه و با کمترین ایراد ممکن به پایان رسید. به گزارش خبرنگار ما، در این مراسم برخلاف جشن های قهرمانی سال های گذشته، خوشبختانه خسارت جانی نداشت و فقط حدود صد نفر از هواداران زیر دست و پا له شدند که با حضور به موقع نیروهای امدادی، زنده به بیمارستان منتقل شدند. همچنین جام قهرمانی امسال سالم و فقط با کمی قرشدگی به دست مدیر عامل تیم قهرمان رسید. تا این لحظه خبری از تعداد صندلی های کنده شده و اطفای آتش سوزی منازل مجاور ورزشگاه بر اثر آتش بازی مخابره نشده است! **#الکی**

برداشت پول از خودپرداز با اعمال شاقه!

- یک جوری حس درس خوندن نیست انگار شهریور ماه شده، همه رفتن مسافرت باید واسه امتحانی که افتادی درس بخونی!
- یک جوری هزینه های دندون پزشکی بهم فشار آورده که می خوام تو اوقات فراغتم هم مسواک بزنم!
- هرچی آدم نخوابه، بیشتر خوابش میاد، هرچی بخوابه، بیشتر خوابش میاد، فقط اگر بخوای بخوابی، خوابت نمیاد!
- حالا که باشگاه اسم نوشتم، دقیقا از جلسه چندم می تونم عکس تو آینه‌اش رو بذارم اینستا؟ راهنمایی کنید!
- یکی از همکلاسی هامون اسمش سمیه است. منتظر اولین فرصتم که بخواد از کلاس بره بیرون و بلند بگم: «نرو سمیه، نرو»!
- مردم هلند بخوان تاکسی کرایه کنن، زنگ میزنن آژاکس!
- امروز گفتم تو خونه دوغ درست کنم، اون قدر هی آب بعد هی ماست قاطیش کردم که غلظت اش رو درست کنم، الان سه تن دوغ داریم. خریدارهای جدی تماس بگیرن!

Like Comment

این کیه؟

مسابقه شماره ۳۰

سلام. همین اول می خوام یک راهنمایی بکنم درباره چهره کاریکاتوری که این پایین پازل شده. او کسی نیست جز فردی که عکس تقریبا بزرگش در یکی از روزهای همین هفته، در صفحه همشهری سلام چاپ شده! بنابراین یک سری به آرشیو بزنید، تمومه دیگه! این راهنمایی هم به خاطر اون هایی که گفته بودن چون مسابقه سخت تر شده، دیگه بی خیال شرکت کردن در اون شدیم! همان طور که می دونین روال مسابقه این جوریه که شما باید تشخیص بدین کاریکاتور به‌هم‌ریخته چاپ شده کیه و اسمش رو تا ساعت ۲۳ فردا پنج شنبه برای ما به شماره ۲۰۰۰۹۹۹ پیامک کنین. جواب رو شنبه همین‌جا می‌بینین. بین کسانی که جواب رو درست بفرستن، قرعه‌کشی می کنیم تا یک نفر به عنوان برنده معلوم بشه. عکس و کاریکاتور برنده رو چهارشنبه هفته دیگه و با مسابقه بعدی، می‌تونین همین جا ببینین. عکس و کاریکاتوری هم که این بغل می‌بینین، آقای «مصطفی حلمی» برنده مسابقه هفته پیش هستن. پس تا شنبه منتظر جواب این کاریکاتور باشید.

افسانه نوین

داماد ایده‌آل

در زمان‌های قدیم پسری به خواستگاری دختری رفت. خانواده دختر که از خوشحالی هول شده بودند، همگی توی مطبخ رفتند و با شادی بالا و پایین پریدند. سپس سر و وضع خود را مرتب کردند و خیلی سنگین و رنگین بیرون آمدند و مقابل خواستگار دو زانو نشستند. پدر دختر پرسید: «وضع مالی شما چطور است؟» پسر جواب داد: «توپ!» خانواده دختر زیرچشمی به همدیگر نگاه کردند. پدربزرگ دختر پرسید: «تحصیلاتت چقدره پسرم؟» پسر بادی به غبغب انداخت و افزود: «کارشناسی ارشد روخوانی، گرایش مکتب خانه دارم.» باز قند توی دل خانواده دختر آب شد. این بار مادر دختر پرسید: «چایی‌تون رو هم بفرمایین. نگفتی شغلت چیه پسر گلم؟» پسر سرفه‌ای کرد و افزود: «در کار بازرگانی وسایل نقلیه از قبیل خر و الاغ، و داد و ستد لوازم یدکی آن ها مانند نعل و پالون هستم.» برادر دختر برای این که حرفی زده و خودی نشان داده باشد پرسید: «تو محله‌تون که مشکل پشکلی نداری؟» پسر لبخندی زد و افزود: «این چه حرفیه داداچ؟ برو از همه آمارم رو بگیر. اهل محل به سبیلم قسم می‌خورن.» خانواده دختر دیگر نمی‌توانستند خنده‌شان را مخفی کنند و قند توی دلشان آب می‌شد. این وسط مادربزرگ عروس خانم پرسید: «پسر گلم، خودت بگو مشکل اخلاقی یا عیب و ایرادی داری یا نه؟» پسر این بار پوزخندی زد و افزود: «هه! مشکل خاصی ندارم، همه‌مون بعضی وقت ها یه دروغ هایی می‌گیم. مهم تفاهمه. مبارک باشه داماد گلم. دهنتو شیرین کن.» و یک شیرینی خامه‌ای توی دهان داماد که با چشم‌های ورقلمبیده به دوربین نگاه می‌کرد، فرو کرد. گویا آن زمان مشکل کمبود خواستگار بوده و خانواده دخترها هر خواستگار کج و کوله و اریب قیقاجی را که به خانه‌شان می‌آمده ول نمی‌کردند!

علکساندر کاریراتور

پاسخ هوش

ما و شما

* درباره آن قسمت از پرونده که نوشتید: «آن روی زندگی اروپایی ها»، می خواستم بگم که بعضی هاش رو در ایران داریم، حتی بدتر و شدیدترش.
* این پولی که مردم به طراحی های این کارت های عروسی می دهند، اسرافه. ول کنین این حاشیه ها رو.

ما و شما: تمام حرف ما هم در پرونده مربوط به کارت عروسی ها این بود که جوانان عزیز تلاش کنند کارتی رو به میهمان بدن که اسراف نباشه و استفاده های دیگه ای غیر از اطلاع رسانی درباره زمان و مکان مراسم داشته باشه.

* کارت های عروسی خیلی خلاقانه و باحال بود. فقط کاش درشت تر چاپ می کردین، چشمام در اومد، آخرشم نتونستم بخونم.
* انسان های بزرگ، هنگام جدایی فقط وداع می کنند اما انسان های کوچک، اهانت می کنند و می روند! «لائو تزو»

سمیرا بانو

* ۱۰ بار به صفحه سلامت پیام دادم جواب نمی دن. سوالم رو شما ازش پیگیری کنین: من به جای خمیر دندان از نمک استفاده می کنم، برای دندان ضرری ندارد ؟

حاجی حسینی، فلکه آب

* عکس اون بنره درباره پس گرفتن فلش واقعی بود؟ داریم به کجا می ریم!

مرضیه

* همسرم، نازنین جان از این که روز تولدت مسافرت بودم و نتونستم کادو بگیرم عذرخواهم. جبران می کنم، خیلی دوستت دارم.

ناصر، مشهد

* محسن جان همسر عزیزم، امیدوارم بتونم خوبی هایت را جبران کنم و همیشه قدردان زحماتی که برایم انجام می دهی باشم.

همسرت محدثه

در محضر بزرگان

اهمیت ماه رجب در سرنوشت انسان

حجت الاسلام رفیعی درباره اهمیت ماه‌های رجب، شعبان و رمضان در سرنوشت انسان گفته اند: «گاهی اوقات حال عبادت نداریم و این یعنی باتری ایمان ما ضعیف شده و ماشین وجودمان نیاز به هُل دادن دارد. در این مواقع اگر یک سرازیری می‌بینیم خوشحال می‌شویم چون دیگر نیازی به هُل دادن نیست و سریع روشن می‌شود. رجب، شعبان و رمضان سه سرازیری مهمی است که ایمان ما را احیا می کند و برکتی در این سه ماه قرار دارد که راه چند ساله را یک شبه می‌توان پیمود.»

منبع : تارنمای سمت خدا

فتوشعر

حکایت

دستور به کشتن به اندازه تقصیر!

روزی خدمتکاران انوشیروان برای او سفره ناهار آماده می کردند. از قضا قطره‌ای شربت از داخل یکی از جام‌ها روی لباس انوشیروان چکید. انوشیروان با خشم به خدمتکاری که سینی شربت را در دست داشت، نگاه کرد. خدمتکار از همان نگاه حساب کار خود را کرد و فهمید که پادشاه خشمگین شده و حتماً او را کیفر خواهد داد. با این فکر، جام شربت را از میان سینی برداشت و تمام شربت را روی لباس پادشاه خالی کرد. پادشاه، غضبناک پرسید: چرا این کار را کردی؟ آیا همان یک قطره بس نبود؟!

خدمتکار با لحنی عذرخواه و شرمسار گفت: ای پادشاه بزرگ! وقتی که آن یک قطره افتاد، از نگاه شما فهمیدم که حکم به کشتن من خواهید داد. ترسیدم که مردم بگویند پادشاه دادگستر ما به خاطر افتادن یک قطره شربت روی لباس هایش، خون خدمتکاری را ریخت. خواستم جرم و تقصیر خود را بزرگتر کنم تا ارزش کشته شدن را داشته باشد و بهانه‌ای به دست مردم نیفتد!

انوشیروان که از این فکر و نکته حکمت آموز تعجّب کرده بود، به خدمتکار آفرین گفت و از گناه او گذشت.

برگرفته از کتاب «شیرین‌تر از عسل»، محمدعلی دهقانی

سفرنامه

هنر قالی‌بافی ایرانی ها از دیدگاه یک پزشک غربی

دکتر جان دلیشارد، پزشک آمریکایی که در قرن نوزدهم میلادی مدتی را در ایران زندگی کرده است از قالی‌های ایران و هنر قالی‌بافی ایرانی‌ها نوشته:

به منطقه ای وارد شدیم، جایی که بسیاری از قالی و قالیچه‌های ایران بافته می‌شود. در هر دهکده‌ای که توقف داشتیم، تعدادی کارگاه‌های قالی‌بافی دیدیم. بیشتر زنان و دختران به کار بافندگی اشتغال داشتند که حقوق روزانه‌شان از ۱۰ سنت تجاوز نمی کرد. طراحی و زیبایی قالیچه‌ها نشان می‌داد که هنر آن‌ها برابر با کار نقاش هنرمندی است که از بابت یک تابلو هزاران سنت دریافت می کند.

برگرفته از کتاب «سفرنامه بیست سال در ایران»

سوال هوش

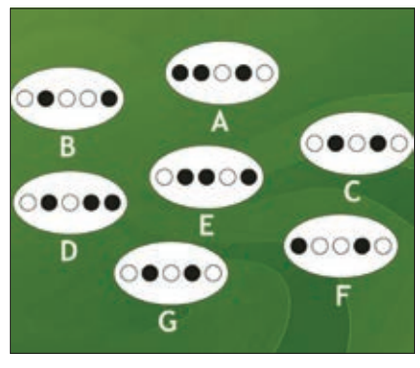

سوال: تعدادی سلول داریم. یکی از این سلول ها با بقیه متفاوت است و می خواهیم آن را بیابیم. به نظر شما کدام یک از این سلول ها را باید از بقیه جدا کنیم؟

اندکی صبر

سلام بر زندگی

من احساس نوشگفتی را
در دل خویش جاودان دارم
من هم‌اینک میان لاله سرخ
سر به صحرای بیکران دارم
از میان شکوفه‌های سپید
زندگی را سلام می گویم
هر یک از غنچه‌های نورس را
با نسیم بهار می‌بویم ...

فرشته ضیایی

سرنقطه